

قد افلح من زکاهها

جمعه، ۱۰ آوریل ۲۰۱۵ ۱۲:۳۸ ب.ظ

جزء	تجزیه	ترکیب
قد (۱)	حرف تحقیق، غیر عامل، مبنی بر سکون	-
افلح (۲)	فعل، ماضی، صیغه ۱، ثلاثی مزید باب افعال، لازم، صحیح و سالم، مبنی، معلوم	فعل و فاعلش «من»
من	اسم، مفرد، مذکر، معرفه، مبنی	فاعل و محلا مرفوع
زگی (۳)	فعل، ماضی، صیغه ۱، ثلاثی مزید، باب تفعیل، ناقص یایی، متعدی بنفسه، مبنی	فعل و فاعلش هو مستتر عائد به من، جمله زکاهها صله برای من
ها	اسم، ضمیر متصل منصوبی، مبنی، مفرد مؤنث غائب، معرفه، مبنی بر سکون	مفعول به و محلا منصوب

(۱) قد:

۱- حرفی است که بر سر فعل ماضی درآمده و به معنای تأکید است، حتماً، قطعاً،

مانند: قد حضر صاحبی: همانا دوست من حاضر شد و آمد.

۲- بر سر فعل مضارع درآمده و دو معنا دارد احتمال و شکل وقوع:

(۱) احتمال وقوع: مانند: قد یحضرُ أخی: احتمال دارد که برادر من بیاید

(۲) شکل وقوع: مانند: قد یجودُ البخیلُ: به ندرت میشود که بخیل سخاوت به

خرج دهد.

۳- گاهی اسم فعل است به معنای بس است و کافی است. مانند: قدنی درهم:

یک درهم مرا بس است.

(۲) وسیط ۷۰۰

أَفْلَحَ) : ظَفِرٌ عَمَّا يَرِيدُ. وَفَازَ بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ .
وَفِي التَّنْزِيلِ الْعَزِيزِ : ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ .

مشاهده میشود که لازم است.

📖 (۳) وسيط ۳۹۶

(زَكَّى) الشَّيْءُ : أَزْكَاهُ . وَ- أَصْلَحَهُ .
وَ- طَهَّرَهُ . وَ- نَفُسَهُ : مَدَحَهَا . وَفِي التَّنْزِيلِ
الْعَزِيزِ : ﴿فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ﴾ . وَيُقَالُ أَيْضاً :
زَكَّى الشُّهُودَ : عَدَّلَهُمْ . وَمِنْهُ تَزْكِيَةُ الْمُرْشَحِ
لِإِعْمَالٍ مَّا . وَ- مَالَهُ : أَدَّى زَكَاتَهُ .

مشاهده میشود که متعدی به نفسه است.